

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ اپریل ۲۰۲۲

طالب "سر" عمران خان را خورد! (۲)

سه شنبه - ۱۶ حمل ۱۴۰۱ - کابل:

۵- تا جایی که تا کنون از برخورد ارتش پاکستان در قبال این موضوع بر می آید، تنها فردی از ارتش که در زمینه اظهار نظر نموده و نظراتش می تواند دارای اهمیت باشد، صحبت لوی درستیز آن کشور "قمر باجوا" در کنفرانس امنیتی منعقد در اسلام آباد بود. نامبرده که در همان کنفرانس با "خلیلزاد" نیز دیدار نمود و فرمان ترمذ علیه "عمران خان" را از وی دریافت داشت، با آن که در آغاز سخن از روابط نیک دولت پاکستان با امریکا یادآوری نمود، مگر بلافاصله اهمیت روابط کشورشان را با چین نیز متذکر شد.

این موضعگیری نشان می دهد که برای ارتش پاکستان هم ساده نیست بدون محاسبه دست دوستی امریکا را فشرده، چهار نعل به خواستهای آنها تمکین نماید. چه گذشته از این که مواضعی که تا کنون دولت "عمران خان" مسؤولیت نمایندگی آنها را به دوش گرفته است در تمام موارد فقط اجرای دستور های خود ارتش پاکستان بوده اند، اگر چنین هم نمی بود، برای ارتش پاکستان نیز تغییر هیچ یک از موارد ذکر شده آسان نیست.

یعنی این که به افغانستان می باید به مثابه "عمق ستراتیژیک" نگریست تنها به مسایل اقتصادی رابطه ندارد تا دولت و ادارات دولتی یک چیز بگویند و ارتش آن کشور چیز دیگر؛ زیرا می دانیم که "عمق ستراتیژیک" دانستن افغانستان بیشتر از منظر سیاسی و نظامی برای ارتش پاکستان مطرح است تا مسایل اقتصادی و این که دولت "عمران خان" با ناکام ساختن پلان "خلیلزاد"، این که تنها طالب را بدون همکاری با جواسیس تکنوکرات به قدرت رسانیده، بیشتر از آن که از لحاظ اقتصادی برای پاکستان مهم باشد، از لحاظ سیاسی و نظامی می تواند در خدمت ارتش آن کشور قرار گیرد، به همین سان در دو مورد دیگر امتناع از ایجاد پایگاه امریکا در داخل پاکستان و مسأله رابطه با روسیه.

وقتی تمام این نکات در نظر گرفته شود و همزمان با آن درصد نفوذ چین در اردوی پاکستان و تجهیزات نظامی جدید چین و روسیه برای اردوی پاکستان به آن اضافه گردد، برای ارتش پاکستان و شخص "باجوا" نیز ساده نیست تا بی پروا به سمت امپریالیسم نظر انداخته چین و روس را فراموش نماید. اگر هیچ کسی نداند شخص "باجوا" به نیکوئی می داند که اتخاذ چنان سیاستی می تواند ارتش پاکستان را از درون دو قسمت نموده، برای بار اول در تاریخ آن کشور ارتشیان آن بر روی هم شمشیر خواهند کشید و این چیز است که هیچ کس در پاکستان طرفدار آن نیست.

تا جائی که دیده می شود بر مبنای همین ملحوظات، ارتش پاکستان به جای آن که خودش به خیابانها تانکهایش را به حرکت درآورد، فعلاً صلاحیت تصمیم گیری را به ۵ تن قاضی "دیوان عالی پاکستان" که زمانی "مشرف" را نیز به زیر کشید، سپرده است. این که "دیوان عالی پاکستان" چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد و آیا ادعای دخالت اجنبی را در ساقط ساختن دولت پاکستان خواهد پذیرفت یا خیر، هنوز معلوم نیست اما قدر مسلم این است که تمام طرفهای درگیر خوب می دانند که ناگزیراند با فیصله دیوان عالی تمکین نمایند و رنه ارتش به بهانه تأمین امنیت و تطبیق فیصله دیوان عالی وارد میدان خواهد شد، یعنی بدون آن که هیچ یک از طرفین برنده باشند، "دموکراسی متزلزل پاکستان" بازنده آن خواهد بود.

۶- و اما این که "دیوان عالی پاکستان" چه موضعی را اتخاذ خواهد نمود، باید از قبل بدانیم که در موضعگیری آنها به علاوه خواست و توریته ارتش، حمایت و یا عدم حمایت قدرت های خارجی به خصوص امریکا- انگلیس در یک طرف و چین و تازگی ها روسیه در طرف دیگر از عمران خان و دولتش نقش اساسی خواهد داشت. یعنی هرگاه این "دیوان" "سمبه" امریکا- انگلیس را قویتر احساس نمایند با مشوره ارتش پاکستان نه تنها ادعای "عمران خان" مبنی بر مداخله خارجی ها در امور داخلی کشور شان را نخواهند پذیرفت، بلکه احتمال به محاکمه کشاندن شخص "عمران خان" نیز منتفی نیست و اما در صورتی که "سمبه" چین و روسیه را قویتر احساس نمایند، مسلم است که بستر ابقای "عمران خان" را با حکم شان فراهم خواهند نمود.

۷- و اما این که تحولات اخیر پاکستان چه تأثیری بر مناسبات آنها با افغانستان و حاکمیت ملاسالار خواهد گذاشت، باز هم تحولات بیشتر در دو بستر ممکن است انکشاف نماید.

یعنی در صورتی که "عمران خان" در قدرتش ابقاء گردد، از آن جائی که عمران خان و اداره تحت فرمانش در طول سالیان گذشته بزرگترین حامی و پشتیبان طالب و نظام ملا سالار بوده اند و استخبارات نظامی پاکستان همیشه کوشیده است تا هرچه بیشتر امکان بسط و توسعه سلطه طالب را بین جهادی ها و بقیه نوکرانش فراهم سازد، به سیاست های کنونی شان ادامه خواهند داد، در حالی که در چنان صورتی امپریالیسم امریکا و انگلیس از طریق "ترکیه و قطر" با کارت "داعش" بازی خونینی را ادامه خواهند داد و اما در صورتی که "عمران خان" و سیاست حمایتش از جهادی ها و جذب همکاری آنها با طالب، خاتمه یابد و حاکمیت آینده پاکستان به دستور امپریالیسم امریکا و شرکاء بستر همکاری جواسیس تکنوکرات با طالب را فراهم سازند، مسلم است که حریفان امپریالیسم غرب یعنی چین و روسیه نیز آرام و خاموش نمانده خواهند کوشید تا از طریق "جهادی" ها و بسیج لشکر های پراکنده و تحقیر شده آنها جبهات جنگ جدیدی را علیه طالب و حامیان غربی آن تمویل، بسیج و تسلیح نمایند.

هموطنان گرامی! بدبختی امروز کشور ما عمدتاً از آن جائی آغاز یافت که یک تعداد مزدور و وطنفروش خواستند جهت رسیدن به قدرت، کشور ما را در گرداب غیر قابل کنترول حوادث و معاملات بین المللی غرق نموده، دستان توده های میلیونی کشور را از تعیین سرنوشت شان کوتاه نمایند. از همین رو هر نوع تغییر در همجواری ما حتا اگر یک نسیم ساده هم باشد در کشور ما به مانند یک تند باد و یا طوفان عمل نموده، خونریزی و ویرانی بیشتری را باعث می گردد. به نظر من راه نجات از ایستادن در چهار راه مخاطرات بین المللی، مبارزه قاطع ملی - دموکراتیک با پیروی از خط و مشی مستقل ملی و انقلابی می باشد، در غیر آن همیشه تندباد ها و طوفانها کاشانه ما را تخریب خواهند نمود.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!